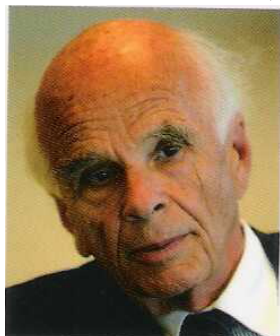


## نظریه وحدت آروین لازلو

نگارش جمشید جمشیدی

### آروین لازلو<sup>1</sup> کیست

آروین لازلو در سال 1932 در بوداپست مجارستان چشم به دنیا گشود. او در جوانی با علاقه ای که نسبت به موسیقی نشان میداد اهم اوقات خود را مصروف آموختن پیانو میکرد. لازلو برای



سالیان دراز به عنوان یک پیانیست کلاسیک شهرت پیدا میکند که در گوشه و کنار جهان به برگزاری کنسرت های خود می پردازد. در فرایند مسافرت های متعدد، لازلو به تفکر و مطالعه در زمینه های کاملن جدا از رشته موسیقی است روی می آورد. گرایش به مطالعه و پی گیری علل تغییرات و تحولات در سه قلمروی هستی از جمله چگونگی پیدایش و سیر تکاملی تغییرات سیارات و کهکشان ها، ظهور پدیده زندگی و جان بر روی کره زمین، و بالاخره کاوش در

مقوله وحدت ازلی و ابدی هستی ها از سری موضوعاتی است که ذهن لازلو را مشغول کرد. نتیجه پژوهش های لازلو انتشار بیش از 75 کتاب است که تا بحال در زمینه های مورد علاقه او به رشته تحریر درآمده است. بسیاری از کتاب های او به زبان های گوناگون جهان ترجمه گردیده اند.

لازلو نظریه های خود را با بهره گیری از دست آوردهای علوم جدید از جمله نظریه عمومی نسبیت، نظریه عمومی سیستم ها، فیزیک کوانتوم و فیزیک دینامیک حرارتی، نظریه های تکاملی و اندیشه های فلسفی و دینی و فرهنگ های تطابقی و غیره تنظیم و تدوین کرده که حائز توجه و مطالعه دقیق است. لازلو امر تکامل در سه عرصه فیزیکی، زیستی و ذهنی را بی واسطه از نیروهای غیبی از واضحات غیر قابل انکار دانسته و از "نظریه عمومی تکامل"<sup>2</sup> قوین دفاع میکند. از آن جا که اعتقاد بر اینست که تکامل سه عرصه جسم، زیست و ذهن در ارتباط ناگسستگی با یکدیگر صورت میگیرد این خود باعث میشود تا لازلو به بسط و ارائه یک "نظریه وحدت"<sup>3</sup> و یا "نظریه برای همه چیز"<sup>4</sup> به پردازد. چگونگی مبدع پیدایش و پیوستگی نهائی همه ذرات کاینات به این مبدع واحد، موضوع مرکزی بحث لازلو را تشکیل میدهند.

مطالعات وسیع و تلاش های خستگی ناپذیر لازلو در راستای معرفی نظریه های منحصر بفرد خود در زمینه های یاد شده باعث شده است دیگر کسی لازلو را تنها به عنوان یک پیانیست ساده شناسد. بلکه بیشتر او را یک فیلسوف، فیلسوف علوم، نظریه پرداز سیستم ها، نظریه پرداز انتگرال<sup>5</sup> و غیره به نامند.

در دنباله ما ابتدا به توضیح و معرفی مختصر علمی که لازلو مدعی مطالعه و بکارگیری آن ها

1 Ervin Laszlo

2 General Evolution Theory(GET)

3 Theory of Great Union(TGU)

4 Theory Of Everything

5 Integral Theorist

در تدوین نظریه های خود است می پردازیم و سپس با مراجعه به چهار کتاب ارزنده او (که در بنمایه در انتهای این نوشتار معرفی شده اند) به تشریح نظریه های مذکور می پردازیم.

### علمی که خمیرمایه نظریه های لازلو را شکل دادند

آشنائی با اندیشه های فلسفی وایت هد<sup>6</sup> انگلیسی که معتقد بود نه فقط جانداران بلکه کل موجودات اعم از جاندار و بی جان ارگانیزم زنده اند<sup>7</sup> که در ارتباط با هم به هستی میرسند لازلو را به مطالعه در این عرصه برانگیخت. اصولن وایت هد بر این باور بود که واقعیت ها پروسه های پیوسته به هم هستند اگر چه در ظاهر پراکنده، مجزا و منزوی و مستقل به نظر می آیند.

نظریه دیگری که نقش بسزائی در شکل گیری نظریه های لازلو بازی کرد نظریه سیستم ها<sup>8</sup> بود. نظریه عمومی سیستم های برتالانفی<sup>9</sup> زیست شناس ایتالیائی که معتقد بود واقعیت ها در حقیقت سیستم هائی هستند که اجزاء درونی آن ها نیز خود سیستم های خردتر دیگری اند. به عبارتی سیستم درون سیستم تا بی نهایت، واقعیت را موجودیت بخشیده است. بر خلاف جزء باوری یا اتمیسم، نظریه سیستم ها به نوعی کل باوری<sup>10</sup> اشاره دارد که طالب مطالعه واقعیت ها از منظر کل است. این نگرش به واقعیت ها در مقابل برخورد "تجزیه و تحلیلی" یا اتمیسم دانشمندان سنتی که معتقد بودند با مطالعه اجزاء یک مجموعه میتوان به ساختار و کارکرد کل سیستم دست یافت قد علم میکند. برتالانفی معتقد بود که یک سیستم برابر با جمع ساده اجزاء متشکله آن سیستم نیست. ولی این پرسش که چه عاملی، اگر دست غیب نباشد، مضاف بر اجزاء یک سیستم در شکل گیری آن سیستم فعال است همچنان بی جواب باقی میماند. لازلو در نظریه های خود مدعی پاسخگوئی به این پرسش و تکمیل این طرز برخورد سیستمیک است.

پیشرفت های چشمگیری که در قرن بیستم در رشته های علوم فیزیک و شیمی بوقوع پیوست از دید لازلو پنهان نبود. او از دیدگاه های نوین در این علوم بهره های بسیار کسب کرد. برای نمونه میتوان از نوع تحقیقات یانتس<sup>11</sup> و پریگوجین<sup>12</sup> و تلاش ها برای انجسام بخشیدن به معادلات

6 Alfred North Whitehead, 1861

7 Panpsychism- وایت هد مبتکر و اشاعه دهنده پان سایکیزم است. پان سایکیزم بر این باور است که تمام موجودات هستی اعم از جاندار و بی جان از درجه ای از هوشمندی برخوردارند.

8 نظریه سیستم ها در مقابل دیدگاه آنالیتیک قد علم میکند. برتالانفی (Ludwig von Bertalanffy) در موضع یک زیست شناس برای اولین بار در سال 1940 بحث سیستم ها را مطرح کرده و مفهومات آنرا معرفی میکند. آگاهی بر واقعیت ساختاری و کارکردی یک مجموعه در دو نظریه آنالیتیک و سیستم ها متفاوت است. از زاویه دید آنالیتیکی برای دسترسی به حقیقت یک سیستم (مثل بدن انسان یا یک کامپیوتر) در کل تنها لازمست تا تمام اجزاء ترکیب کننده این سیستم یکایک بطور جداگانه از نظر ساختاری و کارکردی مورد مطالعه دقیق قرار گیرند. رابطه سیستم با محیط یا سیستم های دیگر در این نگرش مد نظر نیست. به عبارتی به اعتقاد این نظریه، کل سیستم از سوی پائین توسط اجزاء تعیین و مدیریت می شود. در مقابل، نظریه سیستم ها با بی اعتنائی به اجزاء متشکله و روابط بین آنها بیشتر به مطالعه متمرکز روی چگونگی کل یک سیستم و روابط بین سیستم ها می پردازد. بنابراین نظریه یک سیستم از سوی بالا مدیریت خود را به عناصر متشکله این سیستم تحمیل می کند. یک سیستم بزرگتر با مرز مشخص در درون خود سیستم های فرعی بی شماری را محتوی دارد که نسبت به هم رابطه بین سیستمی برقرار میکنند. سیستم ها حاوی مفهومات مشترکی از جمله

درآیند (input)، برآیند (output)، اندرآیند (throughput)، مرز (boundary)، آترکتور (attractor) سلسله مراتب (hierarchy)، اطلاعات، هدفمندی سیستم، خودگردانی، خودسازماندهی، خود تولیدی، فیدبک و غیره می باشند. مفهومات و اصول مشترک در نظریه سیستم ها باعث شده است که این زمینه خود را به رشته خاصی از علوم محدود نکرده بلکه در تمام عرصه های فیزیکی، زیستی و اجتماعی و معنوی کاربرد پیدا کند. نظریه سیستم ها در زمینه های بسیار از جمله علوم پیچیدگی، آشوبنگی، مدل های کامپیوتری، کاوش شبکه های عصبی، ساخت ماشین های هوشیار و جان مصنوعی، علوم اجتماعی و غیره پیشرفت چشمگیری کرده است.

9 Ludwig von Bertalanffy, 1901

10 Holism

11 Erich Jantsch, 1929

12 Ilya Pringogine, 1917

دینامیک حرارت و مقوله انتروپی نام برد. در فیزیک دینامیک حرارتی سه قانون وضع گردیده است که بطور خلاصه معرفی میگردد.

قانون اول دینامیک حرارتی فرمول ارایه شده از طرف آشتاین است که به "قانون حفظ انرژی"<sup>13</sup> معروف است:  $E=mc^2$  (جائی که  $E$  انرژی نه میتواند تولید شود و نه از بین برود ولی تبدیل آن به جسم و یا بالعکس تحت شرایط مشخص پیش بینی میشود. و  $m$  جرم و  $c$  ضریب ثابت است.)

قانون دوم دینامیک حرارتی: رابطه بین جرم و انرژی در یک سیستم میتواند در سه حالت نوسان کند. حالات اول و دوم در سیستم بسته و حالت سوم در سیستم باز بوقوع می پیوندد.

A- حالت برابر متعادل: تفاوت غلظت بین جرم و حرارت از بین رفته و بین آن ها یک برابری کمی برقرار میشود که منجر به تعادل میگردد. وقتی یخ در درون آب کاملن ذوب شده و با آب در حرارت یکسان قرار میگیرد. این حالت را "حالت غیر فعال یا خنثا" برابر با مرگ سیستم میگویند. سیستم قادر به تغییر و تکامل نخواهد بود.

B- حالت نزدیک به برابر متعادل: اگرچه تفاوت غلظت بین جرم و حرارت وجود دارد ولی این تفاوت مختصر است. حالت یخ در درون آب. هنوز یخ هستی خود را از دست نداده ولی شروع به ذوب تدریجی در درون محیط بسته آب میکند و نهایتن در حالت اول یا حالت A قرار میگیرد؛ یعنی ذوب شده با حرارت آب به درجه تساوی میرسد.

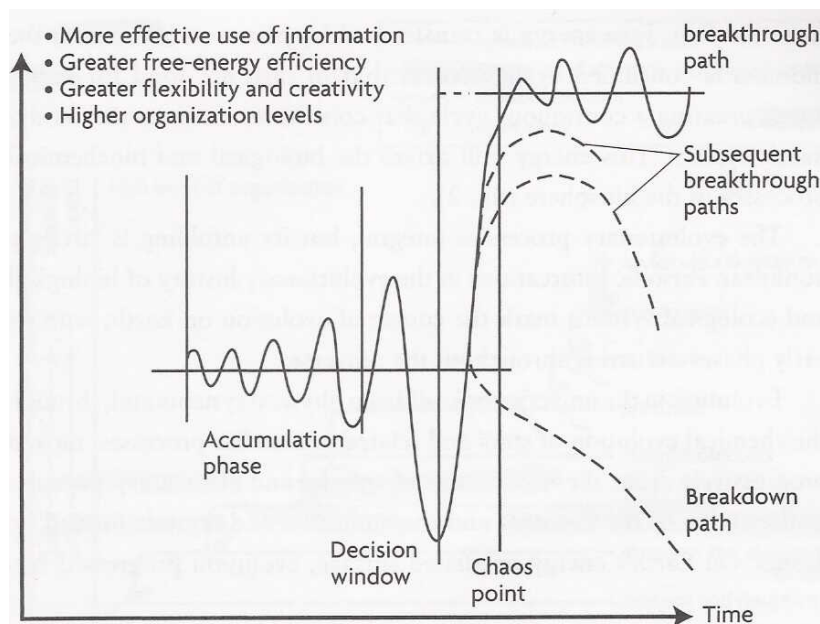
C- حالت نابرابر متعادل: بین جرم و حرارت عدم توازن کمی وجود دارد، اگرچه تعادل برقرار است. سیستم همیشه در تلاش است تا از وضع متعادل خارج نشده و بنابراین متلاشی نگردد. در سیستم های بازمرز بین سیستم ها از بین رفته و در صورت نارسائی سیستم، تبادلات انرژی بطور دوسویه از طریق عبور از مرز یکدیگر باعث میشود تعادل حفظ گردد.

لازلو سیستم های درون کاینات را اعم از جسمانی، زیستی، اجتماعی در حالت سوم و یا حالت C دینامیک حرارتی میداند که پیوسته در وضع نابرابر متعادل قرار دارند و چون نابرابر هستند هر آن ممکنست با یک نوسان اندک دچار تغییر قابل توجهی شده از تعادل خارج شوند. این سیستم ها را همواره در حالت "آشفتهگی"<sup>14</sup> مینامند.

شکل 1 الگوی سیر مرحله مند سیستم های باز که در نهایت بر سر دوراهی انشعاب به سوی قهقرا یا تکامل قرار میگیرند را ترسیم میکند.

<sup>13</sup> Law of Conservation of Energy

<sup>14</sup> Chaos



شکل 1 چهار تغییر مرحله مند در سیستم های باز. این تغییرات برای هر سه عرصه هستی، عرصه جسمانی، زیستی و اجتماع انسانی صادق است. مفهوم انرژی برحسب نوع سیستم میتواند متغییر باشد. نوسان در فاز نوآوری اول قابل کنترل است ولی با افزایش دست آوردها و غنای تکنولوژی و افزایش جمعیت در مرحله دوم که به مرحله گذار نیز موسوم است نوسان شدت میگیرد تا جایی که سیستم را به مرحله "آشفتهگی" یا مرحله حساس سوم سوق میدهد. مرحله چهارم دو راهی انشعاب به سوی سقوط یا تعالی است.

سیستمی که در حالت سوم و در وضع "آشفتهگی" قرار دارد در صورت نوسان اندک مجبور میشود بر سر دو راهی انشعاب قرار بگیرد. یا با "خودسازی" راه تعالی و تکامل را می پیماید یا بر اثر ناتوانی و ضعف خود گردانی متلاشی شده، از گردونه خارج میگردد. دینامیک حرارتی با قانون سوم کامل میگردد اما چون خارج از بحث ما میباشد از توضیح در باره آن صرف نظر میکنیم.

آشنائی لازلو با نظریه فیزیک دینامیک کوانتوم را نیز باید ذکر کرد زیرا این دانش نیز او را در تدوین نظریه های خود به خصوص در نظریه "وحدت" بسیار یاری داده است. طبق قانون دینامیک کوانتوم ها، ذرات زیر اتم (الکترون، نوترون و پروتون و کوانتوم) ها در عین این که ذره قابل لمس و اندازه گیری هستند امواجی هستند که استقرار ندارند. کشف خاصیت دوگانه زیراتم ها انقلاب عظیمی در فیزیک بشمار می آید. خاصیت واقعی، ظاهری و قابل لمس ذره پیوسته به همراه خاصیت مجازی، درونی و یا موجی آن وجود دارد. چون هر ذره ای از خاصیت موجی برخوردارست میتواند در این جا باشد، در آن جا باشد، و خلاصه قرار نداشته باشد. خاصیت موجی هر ذره، آن را غیر قابل پیش بینی کرده و نتیجتاً از شناخت کامل آن جلوگیری میکند. بنابراین شناخت هر ذره بطور کامل در بعد مشخص زمانی و مکانی نسبی بوده، قطعی نیست.

خصوصیات امواج (طول موج، تعداد ارتعاشات، ارتفاع نوسان، تناوب و سرعت و غیره) در صورت تداخل به دو حالت هم آهنگ و تقویت کننده، یا خنثا و تضعیف کننده رفتار میکنند. ذرات زیر اتمی در بعد موجی در صورت تداخل هم آهنگ به اتم، امواج اتم ها در تداخل هم آهنگ به مولکول تبدیل شده و این روند میتواند تا بی نهایت به ترکیبات بزرگ و بزرگتر بیانجامد. پدیده ای که به ترکیبات نوظهور می انجامد را "همگرایی"<sup>15</sup> یا "انتنگلمنت"<sup>16</sup> می نامند.

در صفحات آینده مفصل تر به این مبحث خواهیم پرداخت ولی بد نیست اجالتن بدانیم که لازلو تمام هستی های کاینات را ترکیبی از تداخل امواج میدانند که اجبارن با هم در ارتباطند. به عبارتی تمام کاینات به مانند کلافی در هم پیچیده اند که جدائی و انزوای و استقلال مطلق آن ها میسر نیست.

لازلو در ضمن از دست آوردهای نظریه تکامل انواع داروین و نئوداروینیسم و نگرش های نوین دیگر برای تشریح پدیده های تکاملی زیست بهره برده است. لازلو در عرصه روان شناختی نیز از مکتب های نوین بهره کسب کرده است. روان شناختی تکاملی، روان شناختی فراشخصی و روان شناختی انتگرال و غیره از شاخه های روان شناختی هستند که مخصوصن در دهه های اخیر به رشته های قابل توجه تبدیل شده اند. تشریح و پی یابی پدیده هائی که تا بحال به نیروهای غیبی نسبت داده میشد با گسترش و تعمیق تحقیقات در کنش های ذهنی و روانی امکان پذیر شدند.

با توضیحات مقدماتی و مختصر بالا اجازه بدهید به بینیم لازلو بحث را چگونه دنبال میکند و با چه کیفیتی به نتایج مطلوب خود دست می یابد. در دنباله ابتدا به بحث تکامل در سه عرصه جسم، زیست و ذهن و روان می پردازیم و سپس نظریه وحدت او را مرور میکنیم.

---

<sup>15</sup> Convergence

<sup>16</sup> Entanglement

## تکامل<sup>17</sup> در سه عرصه هستی

تکامل در سه عرصه جسم، زیست و ذهن از میکرو تا ماکرو بدون استثنا تحت قوانین و قواعد کشف شده صورت میگیرد. به نگر لازلو این قوانین و یا قواعدی که در پروسه تکامل کشف شده اند هرگز نقش قطعی بازی نمیکنند و نمی توانند سیر پروسه تکامل را فی نفسه تعیین کنند. این قوانین و فرمول ها به مانند قوانین بازی (گیم) می مانند. در بازی تکامل مهارت و قابلیت بازیگر اهمیت دارد ولی سرنوشت نهائی سیستم مشخص نیست. به عبارتی تکامل یک فرصت است سرنوشت نیست. سیر پروسه تکامل در سه عرصه جهشی، غیر قابل برگشت، غیر قابل پیش بینی و در پیوستگی با هم واقع شده و از این پس به بعد هم با همین کیفیت تا بی نهایت ادامه خواهد داشت.

**تکامل در عرصه جسم-** در بین فرصه های متداول پیدایش کیهان جسمانی فرصه "انفجار بزرگ"<sup>18</sup> گاموف دانشمند روسی هنوز غالبیت دارد. طبق این فرصه "تخم کیهان"<sup>19</sup> که به کیهان خرد نیز نامیده میشود شامل ذرات زیراتمی حامل بار الکتریکی مثبت و منفی (نابرابر) هستند میباشد. در اثر حرکت و تلاطم فوق سرعت نور کوانتوم های درون "تخم کیهان" حرارت فوق العاده ایجاد میشود که باعث انفجار و نتیجتاً گسترده‌گی (بسط) این کیهان خرد میگردد. این گسترده‌گی به اینفلیشن<sup>20</sup> معروف است. با گسترده‌گی تخم کیهان و رابطه بین جرم و انرژی حرارتی تولید شده سرنوشت کیهان رقم میخورد. جذب انرژی بوسیله جرم ها و پیدایش قوه جاذبه حاصل از تاثیر جرم ها، اجسام گوناگون پدید می آیند که طبیعتن سرد شدن تدریجی کیهان را به همراه دارد. در ابتدا اتم های گاز هیدروژن و سپس گاز هلیوم پدیدار میشوند. در فاصله حدود دویست میلیون سال ستارگان و کهکشان ها پدیدار میشوند و در درون آن ها تکرار حرکت کوانتوم ها و ایجاد حرارت باعث پیدایش اجسام جدید میگردد. اتم ها به ملکول، ملکول ها به ماکرو ملکول و ماکرو ملکول ها به موجودات تک سلولی، تک سلولی ها به جانداران چند سلولی، چند سلولی ها به جانوران پیچیده دیگر تکامل می یابند که نهایتن انسان، تکامل یافته ترین جاندار روی سیاره زمین حاصل این روند طولانی تکاملی ظهور میکند. لازلو در راستای تدوین نظریه وحدت خود بر علت نامعلوم حرکت و فعالیت ناگهانی کوانتوم های درون "تخم کیهان" که اجالتن مهر تأیید اتفاقی (راندم) بودن بر آن زده شده است تمرکز نموده و توجه ما را به یافت های جدید از پژوهش های علوم معطوف میدارد که اساس نظریه موجود را زیر سوال میبرند.

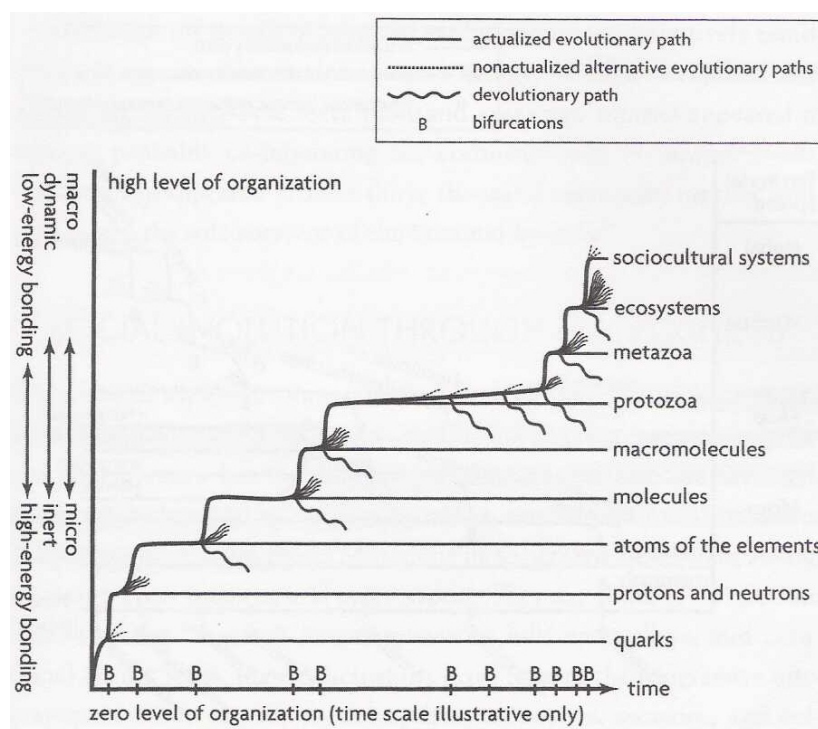
<sup>17</sup> ترجمه واژه انگلیسی Evolution در زبان فارسی تکامل است که به معنای باز و گسترده شدن کلاف در هم میباشد. چرا که Revolution ریشه این واژه و به معنای کلاف در هم پیچیده و Revolution تکرار این پیچیدگی است که در فارسی واژه انقلاب را مترادف آن گذاشته اند. البته میتوان گفت تکامل مرحله بعدی از انقلاب است که باید به وقوع به پیوندد. به عبارتی انقلاب ممتد و مستمر عدم وجود گشایش و تکامل را میرساند.

<sup>18</sup> Big Bang

<sup>19</sup> این که چه عاملی باعث آشفته‌گی ناگهانی وضع نابرابر ولی متعادل "تخم کیهان" شده است مبحث داغی است که هنوز پاسخ قانع کننده به آن ارائه نگردیده است. لازلو معتقد است تحریکی که از طرف "مادر کیهان" وارد شده است در آشفته‌گی "تخم کیهان" موثر واقع شده است. ما بحث مربوط به "مادر کیهان" را در دنباله پی میگیریم.

<sup>20</sup> Inflation

لازلو در شکل 2 تکامل سه عرصه هستی، جسمانی، زیستی و اجتماع انسانی را در محور عمودی ردیف بندی کرده است. در مسیر این خط تکاملی یقین بارها انشعاب بر اثر نوسان در وضع "آشفته‌گی" سیستم رخ داده است. احتمال می‌رود در این مسیر سیستم‌های بی‌شماری که از توانائی خودسازی عاجز بودند از رده خارج گردیده باشند. اما سیستم‌های دینامیک با قابلیت خود سازی و خودگردانی که سازگاری و نرمش لازم برای همزیستی را داشته‌اند باقی مانده به سطوح بالاتر تکامل ارتقا یافتند. سیستم هستی‌ها که از میکرو به سوی ماکرو اوج می‌گیرد به تدریج از وسعت و سازمان یابی بیشتر برخوردار می‌گردد. همان گونه که در شکل حاضر نشان داده شده است هر قدر سیستم سازمان یافته تر باشد از نرمش و انعطاف بیشتر (دینامیک تر) و در نتیجه از قابلیت جذب انرژی‌های جدید برخوردار می‌گردد. سیستم‌های تثبیت شده گذشته در سطوح پائین تر خنثا، غیر فعال و از نقطه نظر جذب انرژی اشباع شده هستند.



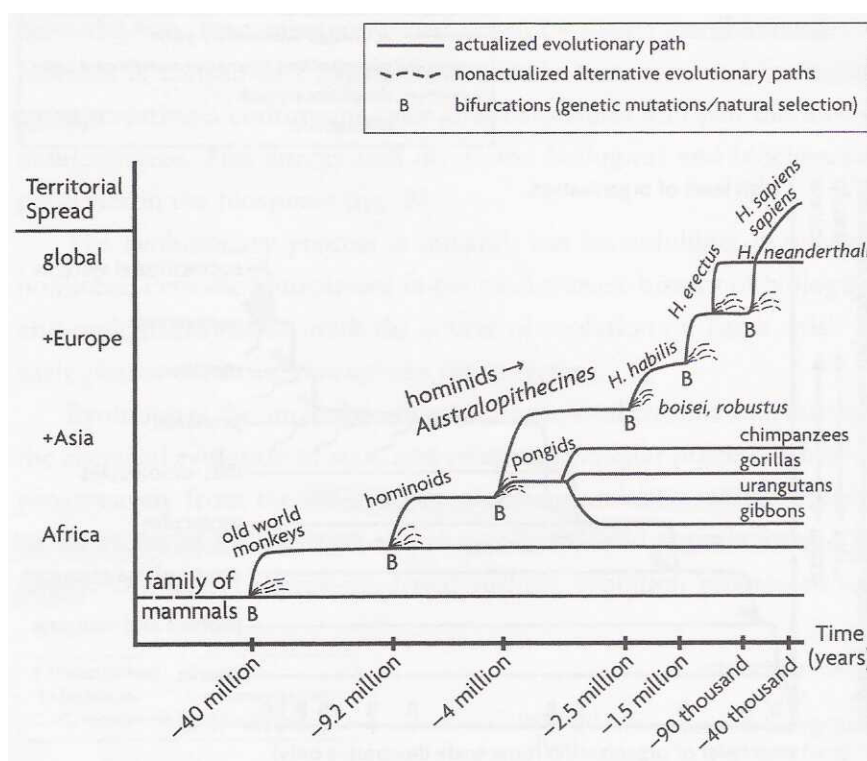
شکل 2 مدارج کلی سیر تکامل در سه عرصه هستی از سطح میکرو تا سطح ماکرو

**تکامل در عرصه زیست-** بین 4600 تا 3600 میلیون سال پیش که شرایط شیمیائی و انرژی لازم بر روی سیاره زمین آماده شد، نه برحسب اتفاق بلکه به موجب یک جبر بی برگشت، پدیده زندگانی بر روی این سیاره آبی ظاهر گردید. ترکیبات شیمیائی و شرایط آماده و ایدال دینامیک حرارتی پذیرای پرورش موجودات جاندار شد. لازلو شدیدن به امر پیدایش جانداران بر روی

زمین طی یک فرایند تکاملی که پس از مرحله تکامل فیزیکی و شیمیایی رخ داده است معتقد می‌باشد. ایده آفرینش جانداران بوسیله خالق در آسمان‌ها که با جدیت در ادیان رایج دنبال می‌شود در سیستم فکری لازلو جای ندارد.

لازلو در باب تکامل انواع جانداران تصریح می‌کند که پیدایش نوع جدید زمانی صورت گرفته است که جهش‌های ناگهان ژنی (موتاسیون<sup>21</sup>) بر اثر تغییرات در محیط سکونت در جمعیت کوچکی از میان جمعیت نوع غالب بوقوع می‌پیوندد. ژن‌های جدید که خصوصیات ساختاری جدیدی را نمایان می‌کنند در صورت سازگاری با محیط می‌توانند برای برهه زمانی طولانی پایدار بمانند و در آن صورت این خصوصیات از پدر و مادربه فرزندان انتقال یافته و به این ترتیب در نسل‌های آینده جانداران استمرار پیدا کنند.

تکامل سیستم با خصلت جهشی و حالت سوم از قانون دوم دینامیک حرارتی صورت می‌گیرد. شکل 3 تکامل نسل انسان که از 40 میلیون سال قبل با پیدایش پستانداران اولیه (خزندگان) شروع شده ولی 4 میلیون سال قبل از میمون شمپازی انشعاب می‌گیرد را نشان می‌دهد. تکامل انسان کنونی (هوموساپینس<sup>22</sup>) از 40 هزار سال قبل شروع شده است.



شکل 3 سیر تکامل انسان کنونی که از 40 میلیون سال پیش آغاز شد.

<sup>21</sup> یکی از عوامل تکامل جانداران موتاسیون (Mutation) است که البته طبق نظریه‌های جدید پروسه ای ممتد و مستمر می‌باشد. به عبارتی موتاسیون باید در پروسه تکامل بارها و بارها تکرار شود تا خصوصیات نوع جدید کامل شده و از قابلیت انتقال این خصوصیات به فرزندان برخوردار شود. موتاسیون هم بر اثر تغییرات درونی جاندار و هم حاصل عوامل بیرونی یا محیطی می‌باشد. علاوه بر موتاسیون، امتزاج دو جنس مخالف و عامل سوم انتخاب طبیعت از عوامل موثر در تغییرات ژنی و ظهور خصوصیات تکامل انواع شماره شده می‌شود.

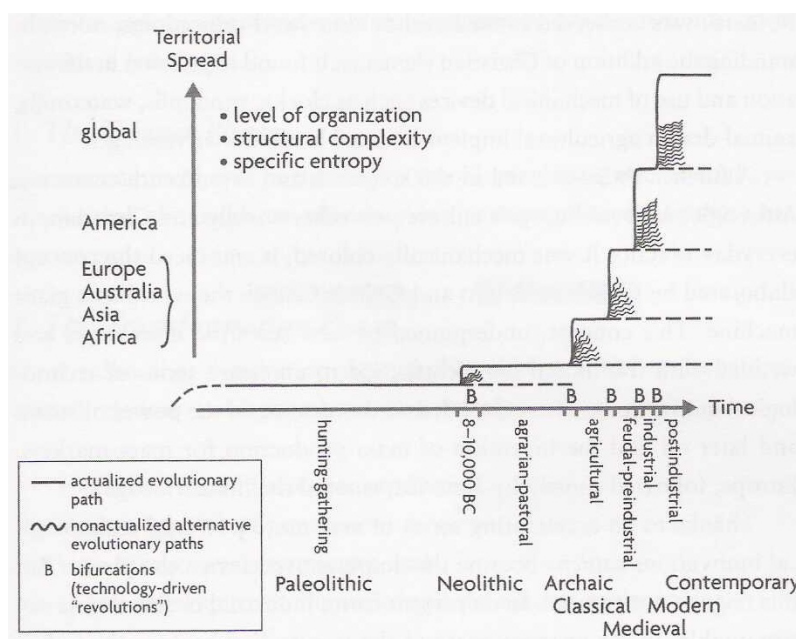
<sup>22</sup> Homo Sapiens



هم آن گونه که از شکل 3 قابل درک است، در انشعابات فراوان که در مسیر تکامل انواع بوقوع پیوسته است جانداران بی شماری از جمله دیناسورها بعلت ناتوانی از سازگاری با محیط زندگی از مسیر تکامل خارج شده و محو گردیده اند.

**تکامل در عرصه اجتماع انسانی**- سیستم اجتماع انسانی از گردهم آئی افرادی که با هم مناسبات مشخصی دارند تشکیل میشود. سرنوشت این سیستم اجتماعی به سرنوشت تک تک افراد تشکیل دهنده آن ارتباط ندارد. به عبارتی سیستم اجتماع به اراده و خواست تک تک افراد تشکیل نمیشود. اگرچه اجتماع از اجماع افراد تشکیل شده است این اجتماع به جمع ساده افراد تقلیل پذیر نیست. به گویش دیگری اجتماع و یا گرایش آن برابر با جمع ساده خواست های آحاد تشکیل دهنده این اجتماع نخواهد بود.

سامانه اجتماع نمونه بارزی از یک حالت سوم سیستم دینامیک حرارتی بشمار می آید و به مانند بقیه سیستم ها از خاصیت "خود سازماندهی"<sup>23</sup> برخوردارست. این سیستم به هنگام بحران و انشعاب با "خودسازی" قادر خواهد بود در وضعیت متعادل جدید قرار گرفته، همگام با سیر زمان به استقرار، انجسام ساختاری و کارکردی دست بیابد. شکل 4 تکامل سازمان های اجتماعی که تا کنون در تاریخ بشر شناسائی شده اند را نشان میدهد.



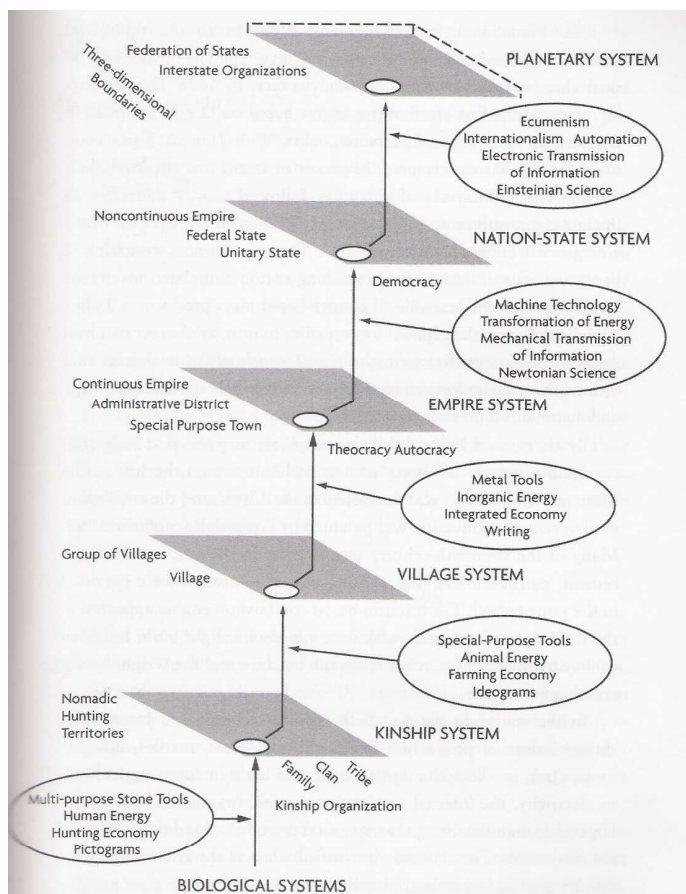
شکل 4 سیر تکامل سازمان های اجتماعی تاریخ بشر. در محور افقی ساختار سازمان اجتماعی و در محور عمودی سطح سازمانندی، پیچیدگی ساختاری و انتروپی (مقدار کمبود انرژی مورد نیاز) نشان داده شده است. تکامل اجتماعات با انشعاب و خود سازی از نوع معیشت شکاری به زراعی- دامداری و سپس به اجتماع کشاورزی و جامعه فنودالی، صنعتی و بالاخره اطلاعاتی کنونی سیر کرده است.

<sup>23</sup> Self-organization

سیستم های اجتماعی به مانند سیستم های دیگر قادرند با ائتلاف و اشتراک و همگرایی با سیستم های مشابه دیگر در هم ادغام شده سیستم جدید بزرگتری را تشکیل بدهند. اقوام و ملیت ها و یا ایالات، کشور تشکیل میدهند، کشورهای منطقه سازمان ها و اتحادیه های منطقه ای تشکیل داده و با کشورهای متعدد قاره ای به ائتلاف بزرگتر دست می یابند و الاخر.

موتور پیشرفت دهنده و متحول کننده اجتماع فن آوری است. ما لازمست در اینجا تعریف فن آوری خود را به گونه مشخصی ارایه بدهیم تا از سوء تفاهمات ممکن جلوگیری شود. فن آوری بشر عبارت است از کل مهارت ها و ابزارهای در دست که در روی آوری با طبیعت و یا مناسبات با افراد دیگر بکار گرفته میشوند. این مهارت ها و ابزارها دنباله و تکمیل کننده نیرو و قابلیت های فردی و جمعی بشر میباشند. شکل 5 رابطه دینامیک مهارت های فنی بشر را با نوع سازمان اجتماع خلاصه کرده است.

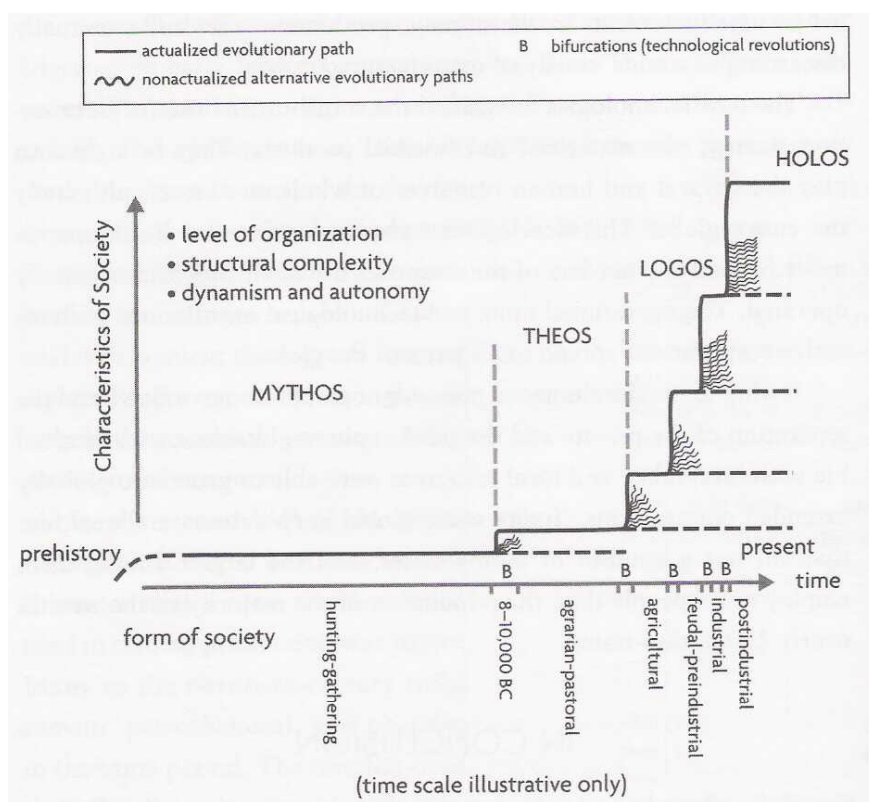
تجربیات و اطلاعاتی که بشر در طول تاریخ زندگی کسب کرده است نه فقط بیهوده نبوده است بلکه لازمه و زیربنای موفقیت های کنونی بشمار می آیند. اگر این تجربیات به وجه درست و دقیق بکار گرفته شوند میتوانند با عملکرد در مناسبات تولید و مصرف باعث شکوفایی و پایداری بیشتر اجتماع واقع گردند.



شکل 5 رابطه تنگاتنگ سطح پیشرفت فن آوری و علوم با مراحل تکاملی سازمان و ساختارهای اجتماعات در تاریخ بشر

**تکامل در عرصه ذهن و شعور** - خود انسان یک سیستم باز در حالت سوم نابرابر منطبق با قانون دینامیک حرارتی بشمار می آید، اما ذهن یا هوشیاری و شعور که از قابلیت های انسانی است تابع قوانین ثابت و عمومی فیزیک نیست زیرا که شعور عین توانائی یا اراده ایست که سرنوشت انسان را تعیین میکند. ذهن و قابلیت و فعالیت آن محدود به انسان نیست در جانوران هم این پدیده با درجات متفاوت مشاهده میگردد. ذهن به عنوان اهرم توصیف کننده مناسبات بین محیط و موجودات، تراوش از ماده مغز دارد و به مانند مغز که در طول تاریخ تکامل کرده است ذهن نیز قابلیت تکامل از سطح واکنش های حیوانی و احساسات ساده و خام به سطح پیشرفته عقل و منطق و معنوی را داراست. شعور از مقوله اسرار نیست، از راه حواس به دریافت و درک اطلاعات پرداخته و از این راه همواره به توصیف محیط خود می پردازد. انسان با ابزار شعور به قابلیت فن آوری خود افزوده و بدین وسیله تجهیز و انجسام جامعه را تسهیل میکند. انسان با سازماندهی جامعه به نوآوری در عرصه فرهنگ می پردازد. شعور و فرهنگ نیز به موازات فن آوری و سازمان اجتماعی تحول و تکامل می یابند.

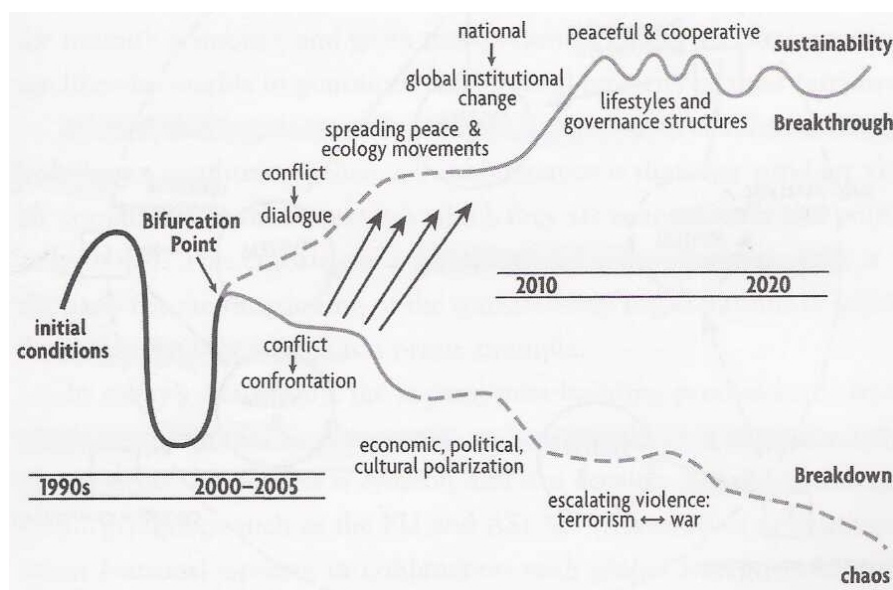
همان گونه که در شکل 6 نشان داده شده است انسان با تکامل در شعور خود به تغییرات جهش وار فرهنگی دست زده است. فرهنگ استوره ها (MYTHOS) در اجتماعات اولیه، به فرهنگ دینی (THEOS) در جوامع با مناسبات تولیدی کشاورزی، و فرهنگ عقل و منطق (LOGOS) در اجتماعات پیشرفته صنعتی که همراه با مناسبات تولیدی جدید و دست آوردهای علمی است تحول می یابد. چنین الگوهای فرهنگی همواره مورد تأیید پژوهشگران جامعه شناس است.



شکل 6 رابطه بین نوع فرهنگ و ساختار سلزمان های اجتماعی در تاریخ بشر

لازلو آرزومند است که سطح تکامل فرهنگی اجتماعات کنونی به سطح هولوس (HOLOS) که همگرایی جهانی است ارتقا یابد. فرهنگ هولوس نگرشی همه جانبه و فراگیر است که کیهان را به گونه سیستم واحدی می انگارد که تمام اجزاء متشکله آن درهم آهنگی و همکاری و همبستگی بی وقفه به حرکت موزون ادامه میدهد. و برای استقرار و اثبات خود از خاصیت "خودسازی" و "خود سازماندهی" برخوردار است.

لازلو جامعه جهانی امروز را از سطح فرهنگ هولوس بسیار فاصله دار، ولی در حالت نوسان شدید در فاز "آشفستگی" ارزیابی میکند. به باور لازلو جامعه جهانی در وضع انشعاب و بر سر دو راهی تعالی و سقوط قرار دارد (شکل 7). اوسال 2012<sup>24</sup> را سال تصمیم گیری حیاتی برای ایجاد شرایط نوین جهانی پیش بینی میکند. یا باید سیر قهقرایی بسوی تخریب بدون برگشت طی طریق کرد و یا جامعه ای سالم و همراه، برابرخواه و صلح دوست و فراگیر با فرهنگ هولوس بنا گذاشت. هم اوضاع اجتماعی و هم شرایط فرهنگی در سطح جهان موجب بی تعادلی شده است. شرایط نابرابر اقتصادی که میتوان نمونه های آن را در شکاف عمیق بین طبقات دارا و ندار در سطح جهان مشاهده کرد، سیاست های ستیزه جویانه بین کشورها و اجتناب از گفتگوی سالم رو در رو جهت حل مناقشات، مساله تروریسم، بحران های جوی و تخریب شدید و خطرناک محیط زیست همه دست در دست هم وضع "آشفستگی" جهان کنونی را دامن زده اند.



شکل 7 نقطه انشعاب جامعه امروز جهانی و لزوم کوشش به موقع برای جلوگیری از تخریب ممکن آن

<sup>24</sup> این سوال مطرح است که مبنای لازلو برای انتخاب این تاریخ چیست. لازلو در پاسخ به این سوال به رویداد تخریب دوره ای کره زمین که در متون تقویم استوره ای فرهنگ مایا به آن اشاره شده است مراجعه میکند. ظاهرن طبق باورهای مردم مایا سیاره ای که هویت آن نامعلوم است (NIBIRU) با اصابت به کره زمین موجب تخریب آن میگردد ولی همزمان وضع نوینی ایجاد خواهد شد که زندگی نوئی را امکان پذیر میکند. خارج از این باور، تحقیقات نجومی عصر حاضر سیاره کوچک دورانی را نزدیک کره زمین به نام آپوفیز کشف کرده اند که در صورت تغییر نکردن مسیر آن در دسامبر 2028 با سیاره زمین اصابت کرده باعث تخریب آن میگردد.

لازلو جامعه انسانی را سیستم هوشمندی فرض میکند که بر خلاف سیستم های جسمانی از اراده تعیین سرنوشت برخوردارست. لذا او آرزو دارد با کوشش و همکاری مجذانه روند رو به تخریب جامعه جهانی کنترل شده و به سوی تعالی هدایت گردد.

### مبدع و وحدت هستی های کاینات

لازلو پس از تاکید بر امر تکامل در سه عرصه هستی به وحدت آن ها در کاینات و اتصال کل هستی ها به نقطه انتهائی مشخصی که مبدع اصلی انتشار تمام هستی ها نیز بشمار می آید نظر دارد. در نگاه اول اعتقاد لازلو بوی باوری دینی را به مشام میرساند ولی او سعی میکند با استناد به پژوهش های علمی ما را قانع کند.

لازلو به نظریه های نوین فیزیک مخصوصن دست آوردهای علمی که در نیمه قرن بیستم به وجود میدان های جدیدی غیر از چهار میدان شناخته شده الکترومغناطیس، جاذبه زمین، هسته ای قوی و هسته ای ضعیف تاکید دارد استناد میکند. این میدان جدید با اندک تفاوتی به نام های گوناگون "میدان خلاء کوانتوم"<sup>25</sup>، "میدان نقطه صفر"<sup>26</sup> و یا "میدان هیگ"<sup>27</sup> خوانده میشود.

این میدان به مانند میدان های دیگر خصلت عمومی و غیر موضعی دارد. یعنی میتواند اطلاعات حاصل از کنش و واکنش ها را در خود حفظ کرده، به مسافت های دور منتقل کند؛ به مانند دریائی عمل میکند که هم بستر خیزش، انتقال و هم حافظ امواج آب است که بر سطح آن ایجاد میشوند. بر خلاف آن چه که تا بحال پنداشته میشد میدان خلاء تهی نیست بلکه از انرژی بسیار لطیفی لبریز است که میتواند عامل حرکت و فعالیت در هستی های درون خود بشود. تمام میدان های شناخته شده فی نفسه قابل لمس و روئیت نیستند، وجود آن ها تنها بوسیله تاثیر بخشی آن ها قابل تأیید است. کشف میدان جدید خلاء و میدان هیگ فرصتی شد تا با رجوع به آن ها فرضیه انفجار بزرگ و پیدایش کیهان به نحوی کامل تر گردد. این که چرا ناگهان انفجار بزرگ رخ میدهد و اجسام شکل میگیرند تا بحال فرضیه "اتفاقی" بودن این پدیده ها غالبیت داشت. طبق نظریه های فیزیک نجومی پیدایش بی وقفه و پی در پی اجسام پس از انفجار بزرگ به این گونه توجیه میگردد که پس از انفجار بزرگ و اینفلیشن مقدار ذرات زیر اتمی باردار یکسان نبوده است. تفاوت در مقدار بار مثبت و منفی این ذرات (ذره و ضد ذره) باعث شده است تا ذرات در حرکت خودشان با مقاوت میدان مجازی هیگ مواجه شده، و از سرعت حرکت نور آن ها کاسته شود. با کاهش سرعت ذرات و برخورد با میدان هیگ آن ها از جرم برخوردار میشوند. ایجاد و تکثیر جرم به پیدایش قوه جاذبه می انجامد که عامل جذب و ترکیب ذرات و شکل گیری اجسام میگردد. لازلو بر این باورست که فرضیه وجود میدان هائی با انرژی لطیف از جمله میدان خلاء و هیگ یا نقطه صفر همگی تراوش پژوهش های علمی اند و غیر قابل انکار.

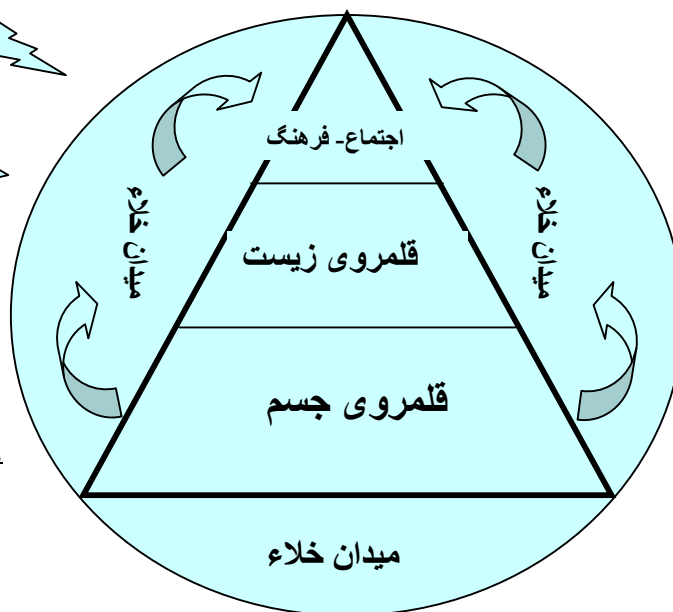
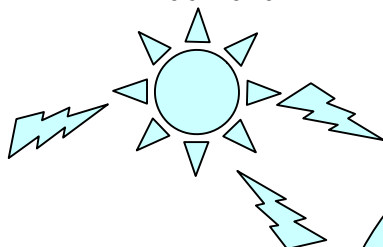
میدان خلاء کوانتومی در "تخم کیهان" نوسانی ایجاد کرده است که سبب انفجار بزرگ گردیده است. این میدان جدید یا میدان پنجم بنیانی ترین میدان قلمداد میشود، زیرا که از ابتدای تولد کیهان وجود داشته است و همواره در کاینات عامل انتقال اطلاعات از کل هستی هاست. فرقی

<sup>25</sup> Quantum vacuum

<sup>26</sup> Zero-point field(ZPF)

<sup>27</sup> Higgs field

که این میدان پنجم با چهار میدان دیگر دارد منحصربفرد بودن آنست. به این معنا که حادث از جسم و یا پدیده دیگری نیست، خود گنجینه اطلاعات بوده و تاثیر گذارست. این میدان که کیهان ما را آفریده است به "مادر کیهان" نیز لقب گرفته است. خلاء کوانتومی فقط مادر زایش نیست بلکه پرورنده آفریده های خود نیز است (شکل 8). همان گونه که در سطور قبل به آن اشاره ای داشتم کوانتوم ها از خاصیت دوگانه ذره قابل لمس و موج ناگرفتنی و غیر قابل لمس برخوردارند. اجسام از طریق تداخلات موجی شکل میگیرند. به عبارتی تمام واقعیت های ملموس و غیر ملموس در بعد میکرو از ارتعاشات موجی با مشخصات منحصربفرد تشکیل شده اند. لازلو به این نتیجه روی می آورد که حرکت موجی اجسام در میدان خلاء با تثبیت و تأیید مشخصات این امواج در این میدان همراه خواهد بود. به بیان دیگر مشخصات امواج به عنوان نشانه های اطلاعاتی برای همیشه در میدان باقی خواهند ماند<sup>28</sup>. البته لازلو معتقد است که اطلاعات موجی در سه بعد به صورت یک هولوگرام<sup>29</sup> موجی در میدان خلاء ثبت میگردند. هولوگرام روشی در ساختن تصاویر سه بعدی با استفاده از اشعه متمرکز لیزر است.



Metaverse (مادر کیهان)

Field vacuum (میدان خلاء)

Field domain (میدان دامنه)

In-formation sea (میدان خرد)

میدان پنجم

=Akashic field? (میدان آکاشیک)

Pure Consciousness

(هوشیاری خالص)

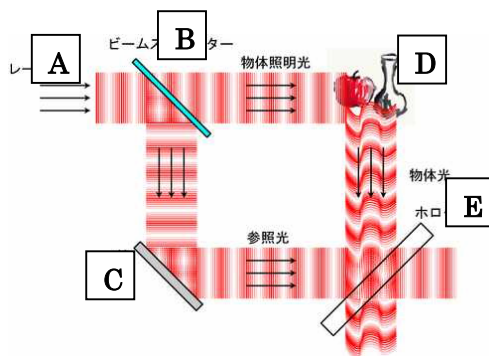
شکل 8 کیهان ما و میدان خلاء- این "مادر کیهان" است که هم خاصیت اطلاع رسانی دارد و هم توانایی حفظ نشانه های حرکت و فعالیت های هستی های سه عرصه وجود را.

28 لازلو در کتاب هایش از نتایج و دست آوردهای برجسته پژوهشگران علوم به وفور نقل میکند. یکی از این دانشمندان دیوید بوم (David Bohm) فیزیکدان است. این دانشمند معتقدست که فیزیک کوانتوم هنوز ناقص است و نقص آن هم در این است که نمیداند امواج کوانتومی از کجا تولید شده و نهایتن به کجا میروند و سرنوشتشان کدامست. او براین باورست که حرکت امواج کوانتومی به مانند امواج آب اند که در دریا تولید میشوند و در عمق دریا محو میگردند. موجی که در دریا محو میشود از بین نرفته، حافظه آن در دریا (میدان حرکت امواج) ثبت میگردد. موج بعدی که از دریا بر میخیزد حافظه موج قبلی را در خود شامل دارد. میدان دریا به مانند مغز فعال عمل میکند (نقل از بنمایه 5)

29 Hologram

شکل 9 اصول روش هولوگرام سازی یا ساخت تصویر سه بعدی از جسمی را به صورت اختصار تشریح میکند.

به این ترتیب حافظه مناسبات بین سه عرصه هستی به شکل هولوگرام در میدان محفوظ باقی میماند. به عبارتی میدان خلاء، هم شکل دهنده و هم پرورش دهنده و راهنمای رفتار هستی های سه عرصه است. روابط در سه بعد در شکل هولوگرام در "دریای خرد" محفوظ میماند، این ارتباط، هم بستگی و هم آهنگی موزون هستی ها را حکایت میکند.



شکل 9 روش ساخت هولوگرام تصویر جسم با اشعه لیزر. نیمی از اشعه لیزر (A) با عبور از پرده تقسیم کننده (B) به جسم (D) برخورد کرده و منعکس میشود. نیمه دیگر اشعه بوسیله آینه (C) منعکس میشود که این اشعه با اشعه منعکس شده از جسم تصویر سه بعدی هولوگرام (E) را میسازند. امواج صافتر از دو سیستم مختلف و یا اجزاء متشکله یک سیستم نیز با برخورد و تداخل در هم سبب شکل گیری هولوگرام میگردد که گنجینه چند بعدی اطلاعات است.

امواج کوانتومی باید به مانند اشعه لیزر که متمرکز و بدون پراکندگی یا کوهرنت (coherent) اند منتشر شوند تا هولوگرام اطلاعاتی شکل گیرد. میدان خلاء القاء کننده این تمرکز و هم آهنگی یا coherency میباشد. coherency هم در بین سیستم ها وجود دارد و هم در درون هر سیستمی یافت میشود. در دنباله نمونه هائی از سیستم coherent در سه عرصه هستی معرفی میگردد. مفهوم coherency در یک سیستم، مصداق نظم و هم آهنگی همه جانبه در یک ارکستر موسیقی کلاسیک است. علی رغم تنوع و نابرابر بودن عناصر شرکت کننده از جمله آلات موسیقی، نوع صوت و نوازندگان، ملودی موزون و دلنشین حاصل میشود که نشانه هم آهنگی و همکاری متعادل مجموعه ارکستر است.

نسبت ثابت بین بسیاری از پارامترهای فیزیکی در حوزه کیهان جسمانی مصداق coherency در این قلمروست. نسبت نیروی الکتریکی به نیروی جاذبه  $10^{40}$  می باشد. این نسبت ثابت است؛ با تغییر یکی در پارامتر دیگر تغییرمتناسب صورت میگیرد تا این نسبت حفظ گردد. یا نسبت بزرگی کیهان به ذرات ابتدائی  $10^{40}$  میباشد. مخصوصن هنگام بسط (اینفلیشن) کیهان نسبت پارامترهای فیزیکی بسیار با اهمیت تلقی شده است. اگر نرخ بسط کیهان یک بیلیونیوم کمتر صورت میگرفت کیهان در دقایق اولیه بر اثر درجه حرارت بالا متلاشی میشد. یا اگر یک

بیلیونیوم بیشتر بسط می یافت تنها گازهای سرد و مایع ایجاد میشد. نسبت متناسب بار الکترون و پروتون در اتم ها، نسبت ثابت نیروی جاذبه و الکترومغناطیس سرنوشت متعادل اجسام را رقم زد و الاخر.

تعادلی که در بین اجزاء و کارکرد قسمت های گوناگون بدن انسان وجود دارد ارتباط، وابستگی و هم بستگی بین آن ها را حکایت میکند. تغییر در گوشه ای از بدن باعث تغییر در نقطه دیگری از آن میگردد تا تعادل کل سیستم بدن پابرجا باقی بماند؛ این ارتباط ممکنست حتا بین دو نقطه کاملن دور از هم صورت بگیرد. در هر ثانیه بیش از 10 میلیون سلول در بدن نابود میشود اما همین تعداد سلول در درون بدن دوباره ساخته میشود. سلول های پوست هر دو هفته و سلول های استخوان هر سه ماه یکبار تجدید حیات میکنند. در هر ساعت بیش از 200 میلیون گلوبول قرمز خون تجدید حیات میکند.

کوتاه سخن، سیستم بدن انسان در ابعاد آناتومی (مطالعه ساختمان اندام ها)، سیتولژی (مطالعه سلولی)، زیست شناسی مولکولی (مطالعه مولکول های شیمیائی از جمله پروتئین ها) به یکدیگر پیوستگی، وابستگی و با هم آهنگی دارند. اگر چه بدن انسان یک سیستم کوانتومی ماکرو نامیده شده است مطالعه در بعد کوانتومی سازه های بدن انسان که هم اکنون در جریان است ما را هر چه بیشتر با coherency پایدار در این سیستم آشنا میکند. هرگز رابطه این سیستم پیچیده را با محیط زندگی نباید فراموش کرد. تمام روابط درونی و برونی سیستم بدن را نمی توان تنها با استناد به فعل و انفعالات شیمیائی و یا روش خطی دیژیتال تشریح کرد، میدان های بین آن ها در انتقال اطلاعات از طرق غیر خطی آنالوگی، نامتجانس و ایجاد روابط چند بعدی نقش انکار ناپذیری را بازی میکنند. به عنوان مثال میتوان از سلول های تغذیه کننده و نگاهدارنده در بافت اطراف سلول های عصبی (نرون) و داندريت ها نام برد که نقش آن ها در انتقال اطلاعات در مقایسه با سلول های عصبی اگر زیادتر نباشد هرگز کمتر نیست<sup>30</sup>.

در حوزه ذهن و شعور انسان نیز پدیده coherency قابل شناسائی است. در زندگانی اینجا و آنجا، مردم پدیده های نادری را تجربه کرده اند که مصداق coherency دارد، ما به نمونه هائی چند از آن ها اشاره میکنیم: تله پاتی<sup>31</sup> (خوانش تصورات، احساسات و یا فکر کسی از راه دور)، تله سُماتیک<sup>32</sup> (تحریک و نفوذ بر جسم تن شخص از راه دور)، درمان از راه دور<sup>33</sup> (تاثیر دعا و خوش نیتی برای مریض از فاصله دور)، سفر روح<sup>34</sup> (خروج از بدن فیزیکی و نظاره آن از بیرون)، تجربه دقایق مرگ<sup>35</sup> (بیان تجربیات مریض بعد از ایست قلبی)، شفا بخشی از راه دور<sup>36</sup> (روش های سنتی روح درمانی و هیپنوتیزم)، محاوره با شخص فوت شده<sup>37</sup> (با استفاده از وسیله سمعی مثل رادیو یا تلفن، در صورت انطباق مشخصات ارتعاشات موجی، میتوان با

30 در حاشیه بد نیست بدانیم تنها فرقی که مغز آلبرت آئنشتاین با اشخاص عادی داشته است افزایش چشمگیر این نوع از سلول ها یا (گلیا Glia) در بافت اطراف سلول های عصبی بوده است.

31 Telepathy

32 Telesomatic

33 Non-local Medicine

34 Out of Body

35 Near Death Experience

36 Remote Healing

37 Instrumental Transcommunication(ITC)



شخص فوت شده صحبت کرد).

لازلو در مورد ملاقاتش با شخصی که از طریق تنظیم فرکانس رادیو توانست با یکی از بستگانش که اخیرن فوت کرده بوده صحبت کند، مفصلن توضیح داده است. اگر وجود این نوع پدیده ها را مثبت ارزیابی کنیم بی شک به نقش یک "دریای خرد" که حافظ هولوگرام های اطلاعاتی بوده و قابلیت انتقال آن ها را فارغ از فاصله دسترسی به مخاطب دارد اذعان خواهیم کرد.

لازلو پدیده coherency که در هر سه عرصه هستی تجربه شده اند را تنها در بستر میدان خلاء کوانتومی امکان پذیر میدانند. این میدان خلاء را به نام های گوناگون از جمله "مادر کیهان"، "میدان پنجم"، "دریای خرد"، هوشیاری خالص" و بالاخره "میدان آکاشیک"<sup>38</sup> می خواند.

چه بسا "مادر کیهان" زاینده کیهان های بی شماری غیر از کیهان ما هم بوده باشد. بی اطلاعی ما از امکان وجود کیهان های دیگر و یا تولد مجدد همین کیهان خودمان دلیلی بر محدود کردن "مادر کیهان" به همین کیهان نیست. تخریب یک کیهان هرگز به معنای اتمام زندگی و نابودی همیشگی کیهان نیست، آفرینش کیهان جدید بوسیله "مادر کیهان" امکان پذیر است.

ظاهرن فعالیت و تحرک این میدان که عامل تاثیر گذاری است باید محرکی داشته باشد. لازلو معتقد است که شکننده سکوت و آرامش این میدان باید اطلاعاتی باشد که از کیهان یا کیهان های دیگر می آیند. "دریای خرد" هم حافظ اطلاعات و هم انتقال دهنده اطلاعات است. اطلاعات وارده به "دریای خرد" در آن محفوظ مانده و هر آن در صورت احتیاج با ایجاد تحرک در "تخم کیهان" سبب پیدایش کیهان جدید میشود.

لازلو در انتها خود را با این سوال که خود "دریای خرد" از کجا آمده است روبرو می بیند. سه گزینه پیش روی است. آیا خالق یا طراحی "دریای خرد" را خلق یا طراحی کرده است، یا اتفاقی تولید شده است؟ و شاید اصولن علت وجودی آن مجهول است. گمان میرود لازلو از ترس این که باعث دل آزاری بنیادگرایان مذهبی روبرو شده و مورد تکفیر سخت آن ها قرار گیرد گزینه اولی را انتخاب میکند و با این کار در انتها خود را در پوشش خرقة مذهبی پنهان میکند.

---

38 آکاشا واژه سانسکریت برای مبدع ازلی و ابدی تمام هستی های معلوم در فلسفه هند باستان است. آکاشا آنقدر لطیف است که قابل لمس و دست یابی نیست، تنها وجود آن را در قبال اثراتش میتوان استنتاج کرد. آکاشا در همه جا و همیشه وجود داشته، در همه چیز نفوذ میکند. آکاشا هم انسان میشود، هم حیوان میشود، هم گیاه میشود و بالاخره آنچه که هستی می یابد تاثیر آکاشا بر آن ملحوظ است. آکاشا تخم یا گوهر وجودی هستی هاست. وجود انتزاعی آکاشا را میتوان با تمرین های مراقبه و عرفانی در احساس خود جويا شد. آکاشا همسان معنای "بهمن" خدای معلوم- نامعلوم در فرهنگ ایران باستان است که عامل اتصال و میاندار جزء جزء هستی های کاینات قلمداد میشود.

1. EVOLUTION: THE GENERAL THEORY by Ervin Laszlo, Hampton press, 1996
2. Science and the Akashic Field, An Integral Theory of Everything. Ervin Laszlo, Inner Tradition, 2004, 2007
3. THE CHAOS POINT: The World at the Crossroad by Ervin Laszlo, Hampton Roads publishing, 2006
4. Quantum Shift in the Global Brain, How the New Scientific Reality Can Change Us and Our World. Ervin Laszlo, 2008/12/23
5. THE HYPOTHESIS OF A NEW SCIENCE OF LIFE, MORPHIC RESONANCE. Rupert Sheldrake, Park Street Press 1995